



۱. من هر روز خانه ام را جارو میکنم.
۲. من سالی ۳ مرتبه به گالری نقاشی میروم.
۳. خانواده ما سالی ۲ مرتبه به شمال مسافرت میکنند.
۴. علی هر شب دندانهایش را مسواک میزند.
۵. نسترن هر روز دوش نمیگیرد.
۶. احمد هر شب در رستوران غذا نمیخورد.
۷. علی هر هفته پیانو مینوازد.
۸. عاطفه هر شب تکالیف خود را انجام میدهد.
۹. نسترن هر شب کارهای روزانه اش را در دفتر یادداشتش مینویسد.
۱۰. آنها هر هفته به باغ خود در دماوند می روند.
۱۱. وقتی داشتم ظرفها را می شستم، تلفن زنگ خورد.
۱۲. وقتی داشتم تمرینهای گرامر را انجام می دادم، غذا حاضر شد.
۱۳. وقتی داشتم رانندگی میکردم، یک تصادف رخ داد.
۱۴. وقتی داشتم در مورد زندگی فکر میکردم، یک صدای بلند شنیدم.
۱۵. وقتی داشتم صندلی ها را جابجا میکردم، پایم به میز برخورد کرد.
۱۶. وقتی داشتم لباسهایم را اطو میکردم، برق رفت.
۱۷. شرکت ایران خودرو از سال ۴۷ خودرو تولید کرده است.
۱۸. آقای سلطانی از سال ۶۱ تا کنون به عنوان مجری در رسانه ملی کار کرده است.
۱۹. استاد اصول گرامری را تدریس کرده بود قبل از آنکه بر روی واژگان متمرکز شود.
۲۰. مهمانداران هواپیما غذا را سرو کرده بودند قبل از آنکه هواپیما به مقصد برسد.
۲۱. سازمان هواشناسی به مردم هشدار داده بود قبل از آنکه سیل رخ دهد.
۲۲. آمریکا کشورهای عربی را مطلع کرده بود قبل از آنکه به عراق حمله کند.
۲۳. پلیس هویت مقتول را مشخص کرده بود قبل از آنکه قاتل را دستگیر کند.